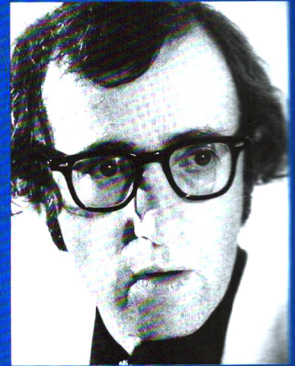


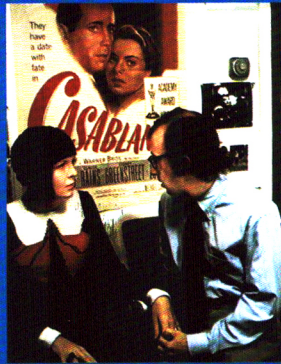
وودے آلن

فلورانس کولومبانی

WOODY
ALLEN



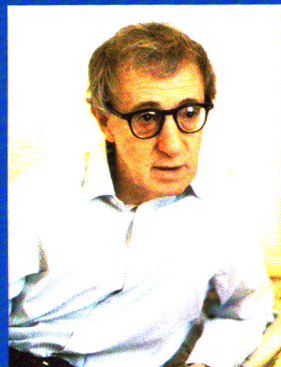
۱۱. از بروکلین تا آپر ایست ساید..
گتر پرشتاب وودی آلن جوان



۲۵. زمان خنده.....
از پول را بردار و فرار کن تا عشق
و مرگ



۴۵. پادشاهی در منهن.....
از آنی هال تازنی دیگر



۱۰۱. زندگی نامه.....



۷۳. ساختار شکنی وودی.....
از جرم‌ها و بزهکاری‌ها تا رؤیای
کلسان‌درا

۱۰۵. فیلم‌شناسی منتخب.....

از پروکلین^۱ تا آپر ایست ساید^۲

گذر پرشتاب وودی آلن جوان

آلن استوارت کانینگزبرگ^۳

یک خیابان معمولی و باران خورده و در افق، اقیانوس خاکستری رنگ. خارج از صحنه، همان صدای تودماغی معروف: «ماجرا توی راکوی^۴ اتفاق می‌افتد. زمان، زمان، کودکی من است. محله‌ی قدیمی مان است و، مرا می‌بخشید که تمایل دارم گذشته را آرمانی جلوه دهم. هوا همیشه این قدر توفانی و بارانی نبود. اما من آن را این طوری می‌بینم، چون در این حالت قشنگ‌تر از بقیه‌ی اوقات بود». روز گار رادیو^۵ (۱۹۸۷)، فیلمی که وودی آلن در آن به خاطرات کودکی‌اش می‌پردازد با این جملات آغاز می‌شود. برای آن‌هایی که آثار مشهورترین مرد نیویورکی را می‌شناسند این چشم‌انداز شهری بی‌اهمیت با آن زیبایی پنهان و غم‌انگیز فوراً آشنا به نظر می‌آید. عجیب‌تر از آن، حس نوستالژی پرشوری است که در گفته‌ها مشهود است. زیرا وودی آلن عموماً کودکی همزاده‌های خویش را از نخستین فیلم بلند خود پول را بردار و فرار کن^۶ (۱۹۶۹) تا شخصیت فیلم ساختارشکنی هری^۷ (۱۹۹۷) که نویسنده‌ای تحت تأثیر حوادث بد سال‌های بچگی است گره می‌زند، آن‌هم با جو غم‌انگیز خیس و چسبناکی که می‌تواند تا افسردگی عمیق پیش برود.

صفحات پیشین:

زوج عاشقانه‌ی افسانه‌ای: آنی هال (دایان کیتون) و آلوی سینگر (ودودی آلن).

تصویر سمت راست:

ودودی در اوج شهرت به‌عنوان کم‌دین.

* گروه‌چو مارکس (۱۹۷۷-۱۸۹۰) و برادرانش هارپو، چیکو و زپو در ابتدا ستاره‌های برادوی بودند و به‌خاطر بداهه‌گویی و شوخ‌طبعی تحریک‌آمیزشان شهرت داشتند. آلن که علاقه‌اش به گروه‌چو را علناً اظهار می‌کرد در سال‌های شصت او را می‌بیند و با وی دوست می‌شود.

چرا؟ فیلم‌ها خودشان پاسخ‌مان را می‌دهند: رابطه‌ی او با پدر و مادرش چندان خوب نیست. این احساس ناخوشایند از همان پول را بردار و فرار کن مشخص است، آن‌جا که والدین قهرمان فیلم با نقاب گروه‌چو مارکس* ظاهر می‌شوند، زیرا آن‌طور که راوی می‌گوید: «آن‌ها از پرونده‌ی قضایی پسرشان شرم دارند». آلن بعدها درباره‌ی این شوخی مشهور با لحنی خشک و عاری از احساس می‌گوید: «پدر و مادرم لیاقت نداشتند که صورت‌شان



وودی نوجوان در سال ۱۹۵۲.

1. Bronx

2. Letty

3. Flatbush

4. Bea

5. Yiddish

6. Allan Felix

7. Saragolla

8. *Sammy's Brewery Follies*

9. Elliot Mills

*. بروکلین پرجمعیت‌ترین منطقه از مناطق پنجگانه‌ی شهر نیویورک است.

** *Play it again, Sam* نمایشنامه‌ی وودی آلن که خودش آن را روی صحنه اجرا کرد و سپس هربرت راس در سال ۱۹۷۲ با بازی وودی آلن در نقش اصلی از روی آن فیلمی ساخت.

***. نقل‌شده در ماریون مید، زندگی جنون‌آمیز وودی آلن، انتشارات ژان کلود لاتیس، ۲۰۰۰، صفحات ۳۸-۳۷.

می‌شوند. از همان ابتدا آثار تنش ظاهر می‌شود. نیتی که برای رسیدگی به امور خانه‌داری در منزل حبس شده از این مسئله که به‌علت کمبود پول مجبور به انصراف از تحصیل شده ناراحت است و ناراحتی خود را پنهان نمی‌کند. او خیلی زود شوهرش را به باد ملامت می‌گیرد که در حرفه‌اش بلندپرواز نیست و او را مسئول مشکلات مالی خانواده می‌داند. فرزند نخست‌شان، آلن استوارت، یکم سپتامبر ۱۹۳۵ در بیمارستانی در برانکس^۱ به دنیا می‌آید. در سال ۱۹۴۳ با به دنیا آمدن نیتی^۲ کوچولو تعداد اعضای خانواده افزایش می‌یابد. خانواده‌ی کانینگزبرگ در هفت سال نخست زندگی پسر خردسال‌شان بیش از دوازده بار اسباب‌کشی می‌کنند و هر بار هم در بروکلین که محله‌های مختلف آن^۳ (خانواده‌ی کانینگزبرگ بیشتر در فلت‌بوش^۳ زندگی می‌کنند) مملو از مهاجران یهودی و هنرمندان مفلس است. کانینگزبرگ‌ها در هر آپارتمانی که باشند مستأجر دیگری نیز هم‌نشین آن‌هاست: یکی از خواهران نیتی که مجرد است با آن‌ها زندگی می‌کند (مثل خاله بنا^۴ در روزگار رادیو)؛ و همچنین لشکری از خویشاوندان دور که برای فرار از دست هیتلر از اروپا می‌آیند. در منزل بیشتر به زبان ییدیش^۵ صحبت می‌شود تا انگلیسی. زوج کانینگزبرگ اغلب باهم مرافعه دارند و وودی آلن در فضایی مملو از اضطراب، در میان دعوای زناشویی و کمبود همیشگی پول بزرگ می‌شود. آلن فلیکس^۶ در سَم، دوباره آن آهنگ را بزن^{**} با حسرت می‌گوید: «پدر و مادرم علی‌رغم التماس‌های من از هم طلاق نگرفتند». مارتی کانینگزبرگ مرتب حرفه‌هایی پیش‌پاافتاده را تجربه می‌کند. پدر جوان خانواده که به‌نوبت فروشنده‌ی مکاتبه‌ای جواهرات، راننده تاکسی، گارسون و شرط‌بند در میدان اسب‌دوانی سارا گولوا^۷ بوده نهایتاً در سَمیز برآوری فالیز^۸ که تئاتر واریته‌ی مشهوری در منهن است شغل ثابتی برای خود دست و پا می‌کند. در روزگار رادیو، یعنی نسخه‌ی آرمانی این کودکِ بسیار غمگین، پدر خانواده یک مرد رؤیاپرداز، مهربان و نسبتاً جذاب است. او ترجیح می‌دهد پسرش وی را یک جوجه گانگستر فرض کند تا این که بپذیرد پسر یک راننده تاکسی ساده است. به‌گفته‌ی الیوت میلز^۹ دوست دوران کودکی وودی آلن، «مارتی یک ناقلا‌ی ریز جثه بود. [...] اگر ماشین تحریر می‌خواستید برای تان یکی جفت و جور می‌کرد. البته ماشینی که شماره‌ی سریال نداشت^{***}».

*. اریک لکس، وودی آلن، انتشارات ژولیار، ۱۹۹۲ برای ترجمه‌ی فرانسوی، صفحه‌ی ۳۲.

** داستان‌های نیویورک از سه قسمت تشکیل شده که سینماگران بزرگ نیویورکی مارتین اسکورسیزی، فرانسیس فورد کاپولا و وودی آلن آن‌ها را ساخته‌اند.

دیده شود». زندگی‌نامه‌نویس او اریک لکس^۱ شرح می‌دهد که وودی آلن پنج‌ساله مقابل او به مادرش گفته: «یادم است وقتی بچه بودم تو هر روز مرا کتک می‌زدی^۵». همچنین در جاز مرد وحشی^۲ (۱۹۹۷)، مستندی که باربارا کاپل^۳ درباره‌ی وودی آلن ساخته، می‌بینیم که او همچون کوهی از خصومت نوجوانی در برابر پدر و مادرش که به ترتیب نودوهفت و نودویک ساله‌اند می‌ایستد و یک بار دیگر درباره‌ی مادرش به کارگردان مستند اطمینان خاطر می‌دهد: «او هر روز زندگی‌ام به من سیلی می‌زد». بدین ترتیب دوباره برمی‌گردیم به روزگار رادیو. فیلم بیهوده تلاش می‌کند قرائتی پرشور از کودکی فیلمساز ارائه دهد، با این وجود چک و سیلی است که بر سر جو (ست گرین^۴) یا همان وودی خردسال فرود می‌آید. بار سنگین جراحات عاطفی و کینه‌های آلن به چکیده‌ای دردناک در اودیپ خرابکار^۵ (اپیزودی از داستان‌های نیویورک^۶)، ساخته‌ی وودی آلن) منتهی می‌شود. مادر شلدون میلستاین^۷، شخصیتی که خود کارگردان نقش‌اش را ایفا می‌کند، پروازکنان در آسمان منهن گلابه‌های بی‌شمارش را از فرزند نالایقش بر سر تمام اهالی جزیره فریاد می‌زند. شلدون نزد روان‌شناس خود اعتراف می‌کند: «مادرم را دوست دارم، ولی دل‌ام می‌خواهد گم و گور شود».

خلاصه این که والدین آلن استوارت کانیزبرگ - نام واقعی وودی آلن - در آثار پسر سرشناس‌شان حضور دارند. اما غیرممکن است با تماشای فیلم‌های آلن چیز زیادی درباره‌ی آن‌ها دستگیرمان شود. تنها با مراجعه به زندگینامه‌نویس‌های اوست که متوجه می‌شویم مارتین کانیزبرگ^۷ و نیتی چری^۸ هر دو در ایالات متحده و در خانواده‌هایی یهودی و معتقد به دنیا آمده‌اند. پدر مارتین، ایزاک^۹، در سال ۱۸۹۹ از روسیه به آمریکا می‌آید. او که در ابتدا کسب و کار پررونقی داشت با سقوط بازار بورس در سال ۱۹۲۹ ورشکسته می‌شود و به‌ناچار تجارت قهوه را رها می‌کند تا در بازار وال‌ایات^{۱۰} در نزدیکی اسلکه‌های ویلیامزبرگ^{۱۱} بروکلین به فروش مواد لبنی پردازد. در این جاست که ایزاک با نیتی، دختر یک مهاجر اتریشی که از سال ۱۸۹۱ در نیویورک ساکن بوده آشنا می‌شود. ایزاک فوراً پسر محبوب‌اش مارتی^{۱۲} را به این دختر موقر مز پر نشاط که حسابدار یکی از عمده‌فروشان بازار بوده معرفی می‌کند. این دو در سال ۱۹۳۱ باهم ازدواج می‌کنند و در بروکلین مستقر

1. Eric Lax
2. *Wild Man Blues*
3. Barbara Kopple
4. Seth Green
5. *Oedipus Wrecks*
6. Sheldon Millstein
7. Martin Konigsberg
8. Nettie Cherry
9. Isaac
10. Wallabout
11. Williamsburg
12. Marty

مارتین و نیتی کانیزبرگ، والدین آلن در سال‌های سی.

